

## دیکتاتورهای لمپن‌ها

جستارهایی پیرامون پدیده لمپنیسم از کودتای سیاه رضاخان تا سقوط رژیم پهلوی

محمد جعفر بگلو<sup>۱</sup>

### چکیده

بهره‌گیری از لمپنیسم برای سرکوب جنبش‌های اجتماعی و شکل‌دهی به جریان‌های سیاسی کاذب، در دوران پهلوی سابقه دارد؛ به طوری که در جریان کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و نیز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شاهد نقش‌آفرینی این گروه در سیاست هستیم. در دوران پهلوی، شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بستر ساز رشد لمپنیسم در ایران شد و در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، لمپن‌ها که طی دهه‌های چهل و پنجاه تا حدودی از کنش‌های سیاسی به دور مانده بودند، به حربه‌ای در دست رژیم در حال سقوط بدل شدند تا به مثابه سدی برای مقابله با سیل انقلاب اسلامی عمل کنند.

این نوشتار بر آن است تا ضمن مروری تاریخی، نمونه‌هایی از بهره‌گیری رژیم پهلوی از لمپنیسم را (از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا بهمن ۱۳۵۷) مورد بازخوانی قرار دهد. از آنجا

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی





که تنها در مواجهه با انقلاب اسلامی بود که حربه رژیم پهلوی در استفاده از لمپنیسم شکست خورد، این پژوهش خواهد کوشید تا با شیوه توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که چه عامل یا عواملی منجر شد تا توطئه رژیم پهلوی مبنی بر استفاده از اوباش و لمین‌ها در برابر حرکت انقلابی مردم ایران در سال ۵۷، به شکست منتهی شود. فرضیه پژوهش، ساماندهی گروه‌های مردمی در برابر چماق‌داران را عامل اصلی ناکامی این سیاست رژیم پهلوی می‌داند. شایان ذکر است که داده‌های اصلی این تحقیق بر پایه اسناد و منابع کتابخانه‌ای استوار است.

**کلیدواژه‌ها:** لمپن، رژیم پهلوی، انقلاب اسلامی

### طرح مسئله

آوازه لمپن‌ها در تاریخ معاصر ایران با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پیوندی ناگسستنی دارد؛ آنجا که این گروه به عنوان بازوی اجرایی کودتا، زمینه‌های بازگشت شاه به سلطنت را فراهم کرده و نماینده آنان به «تاج‌بخش» ملقب شد؛ با این حال این قشر در بسیاری از رخدادهای تاریخ سیاسی ایران به ویژه در دوره پهلوی نقش آفرین بوده‌اند. این رژیم در بزنگاه‌های سیاسی، از کودتای سیاه‌رضان تا ماجرای جمهوری خواهی سردار سپه و از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا حوادث مرتبط با قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، با سازماندهی دسته‌های اوباش، این گروه‌ها را در راستای امیال خود وارد صحنه سیاسی کشور می‌کرد.

تحرکات، اقدامات و نقش این پدیده اجتماعی در سیاست ایران در عصر پهلوی از سوی نویسندگانی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است و آثار محدود اما ارزشمندی نیز در این رابطه وجود دارد. به عنوان نمونه می‌توان به کتاب لمپنیسم که توسط علی‌اکبر اکبری نگاشته شده است اشاره کرد. این اثر پدیده لمپنیسم را تا سال ۱۳۴۲ مورد بررسی قرار داده و با رویکردی جامعه‌شناختی، به تبیین نقش اجتماعی و سیاسی این پدیده پرداخته است. نویسندگانی دیگر در کتاب لمپن‌ها در سیاست عصر پهلوی نمونه‌های تاریخی فراوانی از نقش این قشر در دوران رضاخان و محمدرضا شاه ارایه می‌دهد. بازه زمانی تحقیق ذکر شده سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۴۲ را در بر می‌گیرد و مجتبی زاده محمدی، نویسنده این کتاب، با بررسی نقش لمپن‌ها در رخدادهای منتهی به قیام ۱۵ خرداد، مباحث خود را پایان می‌دهد. علی رهنما نیز در پژوهشی با عنوان «لات‌ها، فرصت طلبان، سربازها، جاسوس‌ها: شرح سرنگونی مصدق در چهار روز»، که مشخصاً به واکاوی وقایع روزهای ۲۵ تا ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲ اختصاص دارد، روایتی مفصل از نقش لمپن‌ها در عملیات موسوم به «آزاکس» ارایه می‌دهد.

گرچه پیش از روی کار آمدن رژیم پهلوی، قاجارها و به ویژه محمدعلی شاه از لمپن‌ها و چاقوکشان در راستای اهداف خود سود می‌جستند، اما دخالت این گروه در تاریخ و سیاست ایران از دوران رضاخان رنگ و بوی بیشتری پیدا کرد و تبدیل به یک پدیده اجتماعی شد

علاوه بر تحقیقات فوق، چند مقاله نیز در این رابطه به رشته تحریر درآمده است که مهم‌ترین آنها مقاله‌ای تحت عنوان «نقش عوامل مطرود در تحولات اجتماعی» به قلم محمد جاسمی و مقاله‌ای از حسین لاری با عنوان «لمپن‌ها، بریدگانی که نفرت می‌فروشتند» می‌باشد. همچنین پژوهش دیگری به «بررسی نقش لمپن‌ها در انتخابات و بلواهای دوره‌های هفدهم و هجدهم مجلس

شورای ملی» می‌پردازد و مقاله‌ای با عنوان «لمپن‌ها در گذار از مشروطیت به عصر پهلوی اول» تحركات این گروه را در سال‌های اولیه قدرت‌گیری رژیم پهلوی بررسی می‌کند.

همه این پژوهش‌ها بدون استثناء دو وجه مشترک دارند: اول اینکه محدوده زمانی هیچ کدام از آثار فوق از سال ۱۳۴۲ فراتر نرفته و به تعبیر دیگر، نقش لمپن‌ها در مقابله با انقلاب اسلامی تاکنون در هیچ پژوهشی مورد بررسی قرار نگرفته است؛ و دوم اینکه هیچ یک از تحقیقات انجام‌شده، به طور مبسوط به ریشه‌یابی دلایل رشد و نمو لمپنیسم در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی نپرداخته است.

پژوهش پیش رو با نگاه به نقش لمپن‌ها در سیاست عصر پهلوی (رضاخان و محمدرضاشاه)، عملکرد این پدیده را در مقابله با انقلاب اسلامی بررسی کرده و چرایی رشد و توسعه لمپنیسم در دوره سلطنت پهلوی دوم را واکاوی می‌کند. این تحقیق بر آن است تا با بررسی اسناد، واکاوی خاطرات و تورق مطبوعات، به سؤالاتی از این دست پاسخ دهد که علل توسعه چماق‌داری در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی چه بود؟ حاکمیت چه نقشی در توسعه لمپنیسم در این دوره داشت؟ چه نمونه‌هایی از استفاده رژیم پهلوی از چماق‌داران علیه انقلاب اسلامی در سال ۵۷ وجود دارد؟ و چه عامل یا عواملی منجر به شکست سیاست رژیم پهلوی در بهره‌گیری از اوباش در مواجهه با انقلاب اسلامی شد؟

## تعریف لمپنیسم و تبیین جایگاه اجتماعی لمپن‌ها

در زبان فارسی، معادل مناسبی برای تعریف واژه «لمپن» وجود ندارد و کلمات جاهل، لات، بزب بهادر، اوباش، گردن کلفت، اراذل و کلاه مخملی، گرچه هر کدام یادآور یکی از جنبه‌های لمپنیسم هستند و گوشه‌ای از خصوصیات اجتماعی لمپن‌ها را در ذهن تداعی می‌کنند، اما هیچ کدام از این واژه‌ها نمی‌توانند معادل مناسبی برای آن مفهوم باشند.



«لومپن» یا «لمپن» یک اصطلاح آلمانی است که معمولاً به طور عام برای افراد رانده‌شده از طبقه، وازده، به فساد کشیده‌شده و فاقد جایگاه و هویت طبقاتی به کار می‌رود. در واقع لمپن‌ها دسته‌ای از افراد جامعه‌اند که به تنهایی طبقه خاصی را تشکیل نمی‌دهند بلکه خود زیر مجموعه‌ای از پست‌ترین طبقه شهری می‌باشند. لمپن از آنجا که شغل ثابت و درآمد معینی ندارد، از طریق طفیلی‌گری، دست‌فروشی و مشاغل کاذب کسب درآمد کرده و با توسل به زور بازو و اعمالی چون چاقو‌کشی، درگیری، دعوا، ارباب، باج‌گیری و... گذران زندگی می‌کند و به خواسته‌هایش دست می‌یابد.<sup>۱</sup>

لمپن برای رسیدن به هدفش به هر اقدامی دست یازیده و در ازای دریافت اندک پولی، قدرت بازوی خود را در اختیار ارباب قرار می‌دهد. آنان «اوباش جوان قلمچماقی معروف به چاقو‌کشان هستند که می‌توانند برای هر نوع عمل فاسد یا وحشت‌افزا به کار گرفته شوند.»<sup>۲</sup> لمپن، درک صحیحی از اوضاع سیاسی ندارد، اما با اندک تحریکی وارد این حوزه شده و در راستای امیال شخصی، و نه اجتماعی گام برمی‌دارد.<sup>۳</sup> به تعبیری بهتر: «معمولاً دخالت لمپن‌ها در جریانات سیاسی از روی آگاهی و تشخیص منافع و حقوق سیاسی نیست؛ به همین علت در اکثر موارد و در شرایط خاص، تحت تأثیر و تحریک نیروهای ارتجاعی به حوادث و جریانات سیاسی می‌پیوندند؛ به طوری که ارتجاع - استعمار در حساس‌ترین و طوفانی‌ترین روزهای تاریخی، به منظور مرعوب کردن نیروهای انقلابی و برپا کردن آشوب و تخریب و ایجاد رعب و وحشت، با پول و وعده و وعید از نیروهای لمپن استفاده می‌کند.»<sup>۴</sup>

اصطلاح «لومپن پرولتاریا» نخستین بار توسط کارل مارکس در کتاب *نبرد طبقاتی در فرانسه*، برای توصیف قشرهای رانده‌شده اجتماعی به کار برده شد.<sup>۵</sup> مارکس اعتقاد داشت لومپن پرولتاریا در هر شهر بزرگ، توده‌ای متمایز از پرولتاریای صنعتی را تشکیل می‌دهد که کانون انواع و اقسام دزدان و جنایتکاران است. وی همچنین لمپن‌ها را «قشر ضدانقلابی و تفاله دیگر طبقات» می‌نامد که به خاطر فقدان امتیاز، از دسترنج دیگران ارتزاق کرده<sup>۶</sup> و از آنجا که فاقد آگاهی سیاسی و اجتماعی هستند، به آسانی نفع جمعی را فدای منفعت شخصی می‌کنند. نکته مهم در بحث مارکس در تعریف لمپن‌ها، تأکید او بر نقش سیاسی - ارتجاعی این

۱. محمود طلوعی، فرهنگ جامع علوم سیاسی، تهران، علم، ۱۳۷۷، ص ۷۵۹.

۲. یرواند آبراهامیان، کودتا، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران، نی، ۱۳۹۲، ص ۲۶۶.

۳. شمس‌الدین فرهیخته، فرهنگ فرهیخته، تهران، زرین، ۱۳۷۷، ص ۶۴۱.

۴. علی‌اکبر اکبری، لمپنیسم، تهران، سپهر، ۱۳۵۲، ص ۲۶.

۵. بهروز گرانمایه، «لمپنیسم یا بداخلاقی رسانه‌ای در مطبوعات ایران»، تهران، راه‌نو، ش ۱۰، تیرماه ۱۳۷۷، ص ۲۶.

۶. محمد جاسمی، «نقش عناصر مطرود در تحولات اجتماعی»، بی‌جا، بی‌تا، ص ۱۴۷-۱۴۵.

قشر اجتماعی است و این دقیقاً بعدی است که در رابطه با موضوع نوشتار پیش رو از اهمیت برخوردار است؛ در واقع این نوشتار بر آن است تا نقش لمپن‌ها در مواجهه با انقلاب اسلامی را بررسی کند. از این منظر، مقصود از «لمپن» در پژوهش پیش رو گروه‌های چماق به دستی است که از سوی حاکمیت پهلوی اجیر می‌شوند تا با حمله به اجتماعات مردمی، نقشی بازدارنده در مسیر انقلاب ایفا کنند. این گروه که فاقد مشی سیاسی مشخص بوده و اغلب خود را «سلطنت‌طلب» معرفی می‌کردند، در کنار نیروهای نظامی، به ابزاری برای مواجهه با انقلاب اسلامی بدل شدند.

### رضاخان و نمایش جمهوری لمپن‌ها

گرچه پیش از روی کار آمدن رژیم پهلوی، قاجارها و به ویژه محمدعلی‌شاه از لمپن‌ها و چاقوکشان در راستای اهداف خود سود می‌جستند،<sup>۱</sup> اما دخالت این گروه در تاریخ و سیاست ایران از دوران رضاخان رنگ و بوی بیشتری پیدا کرد و تبدیل به یک پدیده اجتماعی شد. در پی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، این گروه زیر سایه نیزه قزاقان و در معیت «مأموران تأمینات»، ضمن بازداشت مخالفان کودتا، فرصت اقدام را از دیگر جریان‌های سیاسی گرفتند.<sup>۲</sup> رضاخان همچنین در راستای دستیابی به اهداف بعدی خود که مهم‌ترین آن تغییر سلطنت در ایران بود، به نحوی گسترده از لمپن‌ها استفاده کرد. در هنگام نخست‌وزیری وی، این گروه‌ها زمینه افکار عمومی را برای به قدرت رسیدن رضاخان فراهم کردند و در ماجرای جمهوری خواهی نیز گروه‌هایی از اوباش و لمپن‌ها صحنه گردان بودند. عبدالله مستوفی که در جریان جمهوری خواهی رضاخانی شاهد عرض اندام و تحركات لمپن‌های اجیر شده یا به تعبیر خودش «بچه‌لات‌ها» بود در این باره می‌نویسد:

در بعد از ظهر ۲۷ حوت (۵ شهریور) در دیوان محاکمات مالیه مشغول کار بودیم که یک مرتبه صدای جنجال و هیاهوی زیادی از بیرون شنیده شد. این ملت بود که جمهوری می‌خواست؟! پس از پایان کار، هنگام عصر برای دیدن این دستجات و تماشای این جمهوری خواهی مصنوعی، عمداً پیاده از خیابان‌های لاله‌زار، شاه‌آباد و جلوی مجلس و خیابان نظامیه آمدم. در بین راه جمعیت‌های ۲۰۰-۳۰۰ نفری که در میان آنها بچه‌لات‌هایی هم مشاهده می‌شدند، دیدم. اینها بیرق‌های سرخی در دست گرفته و عده‌ای

۱. جان فوران، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا، ۱۳۷۸، ص ۲۷۶-۲۷۴.

۲. علی‌اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، زریاب، ۱۳۸۸، ص ۶۴۵.





رضاخان که پیش از به دست‌گیری قدرت در مواقع ضروری از نیروی لمپن‌ها استفاده می‌کرد، پس از رسیدن به تخت و تاج از آنجا که می‌دانست هر حزب و گروهی با استخدام آنان به راحتی می‌تواند به مقاصد خود دست یابد و نیز از آن جهت که به دنبال ایجاد یک حکومت مرکزی قدرتمند بود، دست از حمایت لمپن‌ها برداشته و با تشکیل شهربانی، نظمی و ژاندارمری تلاش کرد تا با کنترل آنان به نفوذ این قشر در سیاست ایران خاتمه دهد

هم پیراهن سرخ در دست داشتند... و در خیابان‌ها گردش می‌کردند.<sup>۱</sup> اوباش اجیرشده توسط رضاخان، در جریان جمهوری خواهی در مجلس نیز غوغایی به پا کردند؛ به طوری که به درگیری ختم شد. در دوم مهرماه، سردار سپه که گمان می‌کرد با تصویب مجلس به مراد خود خواهد رسید، کوشید با ارباب، نمایندگان را وادار به تصویب جمهوری کند. در این میان گروه‌های اوباش که نظامیان لباس شخصی نیز در میان آنها

دیده می‌شدند، در حمایت از جمهوری، دست به یک تظاهرات ساختگی زدند. از سوی دیگر، دسته‌ای متشکل از مردم و حامیان آیت‌الله مدرس که پارچه‌نوشته‌ای با این مضمون که «ما جمهوری نمی‌خواهیم» حمل می‌کردند، وارد خیابان‌ها شده و به سمت مجلس رفتند. در این گیر و دار، دسته کوچکی از اوباش که توسط سردار سپه کاملاً تجهیز شده بودند، با چوب و چماق و دشنه و با فریاد «زنده باد جمهوری»، عربده‌کشان وارد مجلس شدند و بنای درگیری گذاشتند؛ اما از آنجا که تعداد مردم بسیار بیشتر بود، در این بلوا لمپن‌ها ناکام ماندند.<sup>۲</sup>

علاوه بر این، سردار سپه در مواجهه با قوام و در راستای به زیر کشیدن کابینه او نیز از نیروی اوباش استفاده کرد و با راه‌اندازی دسته‌های مزدور که ابایی از قتل و غارت و تخریب نداشتند، وانمود کرد که دولت قوام قادر به برقراری امنیت در پایتخت نیست. طولی نکشید که رضاخان با استفاده از بی‌اطلاعی مردم، تحریک احساسات جمعی و با کمک لمپن‌های اجیرشده توانست موقعیت خویش را بیش از پیش تقویت کند.<sup>۳</sup>

در دوران نخست‌وزیری رضاخان نیز هنگامی که مجلس قصد استیضاح او را داشت بار دیگر اوباش مجهز وارد صحنه شدند تا با فضاسازی، مانع از اقدام مجلس شوند. در ۲۷ مرداد ۱۳۰۳ و درست در موعد جلسه مجلس به منظور استیضاح نخست‌وزیر، گروهی از لمپن‌ها که با چوب و چماق و دشنه و ششلول مجهز شده بودند، در معیت نظامیان در حوالی بهارستان اجتماع کردند. آنها مترصد حمله به برخی نمایندگان مخالف رضاخان بودند. این

۱. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار، تهران، زوار، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۵۸۹.

۲. مجتبی زاده محمدی، لومپن‌ها در سیاست عصر پهلوی، تهران، مرکز، ۱۳۸۹، ص ۷۴-۷۳.

۳. همان، ص ۷۵.

چماق به دست‌ها با حمله به مدرس، حائری و کازرونی، آنها را زیر ضربات مشت و لگد و چماق گرفته و مضروب کردند. در اثر این اغتشاش، و در اثر بیم جانی برخی نمایندگان، مجلس استیضاح را پس گرفت.<sup>۱</sup>

رضاخان که پیش از به دست‌گیری قدرت در مواقع ضروری از نیروی لمپن‌ها استفاده می‌کرد، پس از رسیدن به تخت و تاج از آنجا که می‌دانست هر حزب و گروهی با استخدام آنان به راحتی می‌تواند به مقاصد خود دست یابد و نیز از آن جهت که به دنبال ایجاد یک حکومت مرکزی قدرتمند بود، دست از حمایت لمپن‌ها برداشته و با تشکیل شهربانی، نظمی و ژاندارمری تلاش کرد تا با کنترل آنان به نفوذ این قشر در سیاست ایران خاتمه دهد.<sup>۲</sup> او حتی کوشید تا با تخریب محله قدیمی سنگلج، پایگاه این قشر را هدف گرفته و ویران کند. نتیجه این اقدامات، به حاشیه رفتن لمپن‌هایی بود که نقش ویژه‌ای در روی کار آمدن رضاخان و تثبیت سلطنت او داشتند.

### محمدرضا پهلوی و بهره‌گیری از لمپنیسم

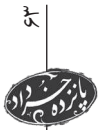
گرچه در اواخر سلطنت رضاخان، تلاش شد تا لمپن‌ها از صحنه سیاسی ایران به دور بمانند، اما سیاست مهار لمپن‌ها که رضاشاه آن را در پیش گرفته بود تنها تا شهریور ۱۳۲۰ بابر جا ماند. با سقوط دیکتاتوری رضاشاه، به دلایلی نظیر کاهش تسلط حکومت مرکزی و مهاجرت‌های بی‌رویه از روستا به شهر، بار دیگر شاهد ظهور و رشد لمپن‌ها در جامعه ایران هستیم. این گروه با مهندسی حاکمیت، از سال ۱۳۳۲ بار دیگر وارد جریان‌های سیاسی می‌شوند و تا بهمن ۵۷ به طور جسته و گریخته در مقابل جنبش‌های آزادی‌خواهانه ملت ایران قرار می‌گیرند.

در اوایل سلطنت پهلوی دوم، با هدف کنترل اوباش، قوانینی برای مهار آنها وضع شد. در همین راستا، در سال ۱۳۲۳ قانون دستگیری، محدودسازی و تبعید اوباش به اجرا گذاشته شد. بر همین اساس، بسیاری از چاقو‌کشان که مخل امنیت جامعه شناخته می‌شدند، ابتدا به آبادان و سپس به بندرعباس تبعید شدند.<sup>۳</sup> اما دستگاه پهلوی دوم، از اوایل دهه سی، با یک چرخش در سیاست اولیه خویش، کوشید با تسلط بر اوباش، آنان را به ابزار

۱. محمدعلی (همایون) کاتوزیان، *اقتصاد سیاسی ایران*، تهران، مرکز، ۱۳۸۸، ص ۱۳۴-۱۳۳.

۲. مجتبی زاده محمدی، همان، ص ۶۹-۶۸.

۳. محمد جعفر بگلو، *لوطی انقلابی (زندگی و زمانه شهید طیب حاج‌رضایی)*، تهران، سوره مهر، ۱۳۹۹، ص ۲۹-.





با سقوط دیکتاتوری رضا شاه، به دلایلی نظیر کاهش تسلط حکومت مرکزی و مهاجرت‌های بی‌رویه از روستا به شهر، بار دیگر شاهد ظهور و رشد لمپن‌ها در جامعه ایران هستیم. این گروه با مهندسی حاکمیت، از سال ۱۳۳۲ بار دیگر وارد جریان‌های سیاسی می‌شوند و تا بهمن ۵۷ به طور جسته و گریخته در مقابل جنبش‌های آزادی‌خواهانه ملت ایران قرار می‌گیرند

دست خود بدل کرده و در شرایط مختلف از این گروه به سود خود استفاده نماید.<sup>۱</sup> بدین ترتیب بهره‌گیری محمدرضا پهلوی از قدرت بازدارنده لمپن‌ها، از اوایل دهه سی، کلید خورد. در این سال‌ها، این گروه‌ها در پناه شاه، درباریان و احزاب قدرت‌طلب سر بر آوردند و در اکثر جریانات سیاسی-اجتماعی دوران پهلوی دوم نقش آفرینی کردند.<sup>۲</sup>

در این دوره، اوج دخالت لمپن‌ها در سیاست را می‌توان در سه حادثه مهم نهم اسفند ۱۳۳۱، ربه‌شدن محمود افشارطوس رئیس شهربانی دولت مصدق در اردیبهشت ۱۳۳۲ و کودتای ۲۸ مرداد همان سال مشاهده کرد. اقداماتی که در نهایت منجر به سقوط دولت دکتر محمد مصدق و بازگشت شاه به قدرت شد و سر دسته لمپن‌ها یعنی شعبان جعفری به دریافت لقب «تاج‌بخش» مفتخر گشت.

در نهم اسفند ۱۳۳۱، درست هنگامی که اختلافات شاه با مصدق به نقطه جوش نزدیک شد، خبر درخواست نخست‌وزیر مینی بر خروج شاه از کشور در تهران پیچید. در چنین فضایی، گروهی از لمپن‌ها به سرکردگی طیب حاج‌رضایی، پس از ساماندهی دستجات خود، به سرعت در مقابل کاخ مرمراجتماع کرده و با فریاد «مرگ بر مصدق» مخالفت خود را با خروج شاه از کشور اعلام کردند. در اردیبهشت سال بعد، سر تیپ محمود افشارطوس، رئیس شهربانی دولت مصدق با کمک چند تن از اوباش به سرکردگی امیر رستمی معروف به پهلوان کچل ربه‌شد. چند روز بعد جنازه افشارطوس در حالی که آثار شکنجه بر آن نمایان بود، در حوالی لشکرک یافت شد.<sup>۳</sup> بعدها روشن شد امیر رستمی که از سوی رهبران کودتا اجیر شده بود، در ازای دریافت ۲۰ تومان در ربایش رئیس شهربانی مصدق نقش داشته است.

روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، اوج خوش‌رقصی لمپن‌های اجیر شده بود؛ این گروه که با پول تطمیع شده بودند، نقش ویژه‌ای در رخدادهای روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ داشتند. در ساماندهی و تجهیز و تطمیع گروه اوباش، برادران رشیدیان نقش اصلی را بر عهده داشتند. آنها با تزییق پول به

۱. مجتبی زاده‌محمدی، همان، ص ۹۵.

۲. جان فوران، همان، ص ۳۵۹.

۳. سهراب یزدانی، کودتاهای ایران، تهران، ماهی، ۱۳۹۵، ص ۳۲۳.



این گروه، آنها را روانه خیابان‌ها کردند.<sup>۱</sup> این نیروی چماق به دست به عنوان بازوان اجرایی کودتا، در آن روز نقش ویژه‌ای ایفا کردند و پیروزی کودتا مرهون تلاش آنان بود. از این زمان به بعد بود که شاه بیش از پیش به قدرت لمپن‌ها واقف شد و برای قدردانی از آنان علاوه بر واگذاری امتیازهای مختلف به آنها، دست این گروه را در چپاول و غارت مردم باز گذاشت.

رژیم شاه از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ بارها در مواقع بحرانی دسته‌های اجیر شده اوباش را روانه خیابان‌ها کرد تا از شکل‌گیری جریان‌های انقلابی جلوگیری کند. با وجود اینکه در این سال‌ها کشور از لحاظ سیاسی در حالت خفقان به سر می‌برد، اما باز هم گاه و بی‌گاه نارضایتی‌ها و مخالفت‌های مردم به صورت برپایی میتینگ‌ها، تجمع‌ها و تظاهرات بروز می‌یافت. این اختلاف‌ها در اواخر سال ۱۳۴۱ و در مخالفت با رفراندوم شاه اوج گرفت که تحت تأثیر فعالیت روحانیون برجسته با رهبری امام خمینی (ره) به منصفه ظهور رسید. رژیم پهلوی بنا به رویه سابق خود برای مقابله با این حرکت، شیوه استخدام اوباش خیابانی را در پیش گرفت. برای نمونه می‌توان به حمله چاقو کشان به دانشگاه تهران در بهمن ۱۳۴۱ و فعالیت اوباش در جریان مسافرت شاه به قم در همان سال اشاره کرد.<sup>۲</sup> علاوه بر این، در خرداد همان سال نیز رژیم شاه با تجهیز اوباش، آنها را به مقابله با مردم فراخواند. در خاطرات انقلابیون آمده است که:

مدرسه حاج ابوالفتح کانون خروش مردم در ۱۵ خرداد ۴۲ بود. آن روز بعضی از ارادل و اوباش به سرکردگی شعبان بی‌مخ با دشنه و چاقو در مدرسه حاج ابوالفتح جهت اذیت و آزار مردم جمع شده بودند.<sup>۳</sup>

هر چند در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، اوباش در معیت مأموران رژیم، نقش ویژه‌ای در سرکوب مردم و معترضان داشتند، اما گروهی از جوانمردان به رهبری طیب حاج‌رضایی که به خاطر عشق و علاقه به امام خمینی خود را به صف نخست قیام رسانده بودند، تا پای جان در این مسیر گام زدند. طیب حاج‌رضایی که نقش ویژه‌ای در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ داشت و محرک اصلی بازار محسوب می‌شد، سرانجام در ۱۱ آبان آن سال به جرم طرفداری از امام خمینی به همراه حاج اسماعیل رضایی تیرباران شد.

۱. یرواند آبراهامیان، همان، ص ۲۱۷.

۲. رک: غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، تهران، رسا، ۱۳۹۰، ص ۲۲۱-۲۱۱.

۳. حمید کریمی پور، خاطرات آیت‌الله خزعلی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸.



## عوامل توسعه لمپنیسم در دوران پهلوی دوم

از اصلی‌ترین دلایل توسعه سیاست‌های رژیم پهلوی در بازتولید لمپنیسم در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### الف. تبعات ناشی از اجرای اصلاحات ارضی

از ابتدای دهه چهل در پی تغییراتی که در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور به وجود آمد، یعنی توجه به بخش صنعت و عدم توجه به بخش کشاورزی، بسیاری از روستاییان به امید یافتن شغل بهتر و استخدام در کارخانجات، به شهرها مهاجرت کردند، اما عملاً به علت عقب‌ماندگی نیروهای تولیدی، ضعف صنایع و فعالیت‌های اقتصادی، فقدان کار و... بخشی از این افراد که ظرفیت آن را نیز داشتند، به صفوف لمپن‌ها پیوستند.

این روند مهاجرت، در اوایل دهه چهل و در پی انجام سیاست اصلاحات ارضی شدت پیدا کرد؛ بدین ترتیب سیل عظیم کشاورزانی که کار در زمین زراعی را از دست داده بودند، به امید درآمد بیشتر راهی شهرها شدند؛ این در حالی بود که امکانات موجود در شهر پاسخگوی نیازهای این جمعیت نبود. لذا روستاییانی که عمدتاً تحت تأثیر سیاست دولت در قالب اصلاحات ارضی ده را ترک گفته، برای یافتن کار و ساختن زندگی بهتر به شهر گریختند، عملاً به علت عقب‌ماندگی نیروهای تولیدی و ضعف صنایع و فعالیت‌های اقتصادی، بسیار زود سقوط کردند. در این میان، گروه‌هایی از این افراد که مستعد ورود به جرگه لمپنیسم بودند، بر اثر فشارهای اقتصادی و ضعف‌های فرهنگی و اجتماعی، به خیل لمپن‌ها ملحق شدند.

### ب. سیاست‌های نادرست فرهنگی رژیم

سیاست نادرست فرهنگی رژیم پهلوی از دیگر عوامل توسعه لمپنیسم بود. در این راستا سینمای ایران دوران پهلوی به خصوص در دهه پنجاه، بازتاب روشنی از وضعیت جامعه آن دوره است. سینمای ایران به صحنه نمایش زندگی طیف وسیعی تبدیل می‌شود که ولگردان، دزدها، قاچاقچی‌ها، رقاصه‌ها، فواحش، قماربازها، دلالان، قداره‌بندان، باجگیران و... را در بر می‌گیرد. در سینمای ایران دهه پنجاه، بسیاری از لمپن‌ها اغلب با چهره‌ای مثبت در قالب یک قهرمان تصویر شده‌اند.

### پ. ساختار غیردموکراتیک قدرت در رژیم پهلوی

اساساً ساخت قدرت در دوره پهلوی مبتنی بر روابط قدرت شخصی بود که موجبات گسترش روابط شخصی و غیررسمی شدن فرآیندهای سیاسی را فراهم می‌ساخت. در چنین سیستمی، دخالت لمپن‌ها در جریانات سیاسی از روی آگاهی، تشخیص منافع ملی و حقوق سیاسی نبود؛ بلکه در اکثر موارد تحت تأثیر و تحریک نیروها و جریانات سیاسی دیگر صورت

می‌گرفت. استبداد، ارتجاع و استعمار، در حساس‌ترین روزهای تاریخی، به منظور مرعوب کردن انقلابیون و برپا کردن آشوب و تخریب، با پول و وعده و وعید از نیروهای لپمن استفاده می‌کردند.

### ت. ساختار شبه‌مدرنیستی اقتصاد شهری و توسعه ناموزون صنعتی

لمپنیسم، پدیده‌ای شکل گرفته از پیامدهای رشد سریع سرمایه‌داری وابسته بود که به واسطه سیاست توسعه ناموزون رژیم پهلوی گسترش یافت. با توسعه حلیی آبادها و افزایش مهاجرت، کیفیت زندگی بسیاری از خانواده‌ها پایین آمد. از سال ۴۵ تا سال ۵۵، درصد خانواده‌های شهری که در یک اتاق زندگی می‌کردند از ۳۶ به ۴۳ رسید و در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، ۴۲ درصد خانواده‌های تهرانی مسکن مناسبی نداشتند. مجموعه فرآیند فوق به توسعه لمپنیسم کمک کرد.<sup>۱</sup>

در اوایل دهه چهل، کارخانه‌ها و صنایعی که مولود صنعتی شدن کشور بودند، به دلیل ساختار شبه‌مدرنیستی و نیز ناتوانی از رقابت با کالاهای خارجی، به سرعت بسته می‌شدند که نتیجه آن افزایش تعداد بیکاران بود. لذا این جمعیت بیکار، سرگردان و کم‌درآمد، مجبور می‌شد تا در حاشیه شهرها ساکن شده و در معرض گرایش به لمپنیسم قرار گیرد. به بیان دیگر «بحران مدرنیزاسیون عوام گریانه و نیز سقوط اقتصاد سوسیالیستی، به فرآیند پرولتاریایی<sup>۲</sup> شدن جامعه» ختم شد.<sup>۳</sup> به تعبیر آنتونی پارسونز (سفیر کبیر بریتانیا در ایران طی سال‌های ۵۲ تا ۵۷):

عوارض توسعه ناموزون، زیربنای اجتماعی کشور را به لرزه درآورد. روستاییان که به شهرها سرازیر شده بودند به زودی به پرولتاریای بی‌ریشه (کارگران بی‌ریشه) و ساکن حلیی آبادهای حومه بدل شدند.<sup>۴</sup>

### ث. الگوهای اقتصادی اقباسی و غیردینی

در عرصه اقتصادی، برنامه‌ریزی غیربومی و تقلیدی و روی آوردن به الگوهای برگرفته از غرب، بدون انطباق آن با شرایط روز جامعه، فرهنگ و امکانات کشور، علاوه بر زیان‌هایی که به جامعه تحمیل ساخت به توسعه لمپنیسم در ایران دامن زد. به خصوص اینکه الگوی

۱. رک: حمیدرضا ملک محمدی، *از توسعه لرزان تا سقوط شتابان*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۵۱-۱۲۶.

۲. طبقه کارگر، طبقه‌ای که تنها با فروش نیروی کارش امور معاش خود را می‌گذراند.

۳. آصف بیات، *سیاست‌های خیابانی: جنبش تهیدستان در ایران*، ترجمه اسدالله نبوی چاشمی، تهران، پردیس دانش، ۱۳۹۱، ص ۴۸.

۴. آنتونی پارسونز، *غرور و سقوط*، ترجمه سید محمدصادق حسینی عسکرانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۲۹.



رژیم شاه از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ بارها در مواقع بحرانی دسته‌های اجیر شده او باش را روانه خیابان‌ها کرد تا از شکل‌گیری جریان‌های انقلابی جلوگیری کند

توسعه کشور صرفاً بر رشد اقتصادی، بدون منظور داشتن توزیع عادلانه درآمدها تأکید داشت. بی‌تردید ثمره مهم آن، تعمیق بیشتر شکاف طبقاتی و دوری جستن از عدالت اجتماعی بود. لذا می‌توان گفت که در دوره محمدرضا شاه شیوه غالب در مناسبات و شاخصه فکری و رفتاری لمپن‌ها بازتاب شیوه سنتی و شبه‌مدرن مناسبات اقتصادی، تجاری و خدماتی بود.

### سیاست‌های محمدرضا پهلوی در استفاده ابزاری از لمپنیسم در مواجهه با انقلاب اسلامی (مورد مطالعاتی: پاییز و زمستان ۵۷)

علاوه بر علل فوق، بی‌تردید مهم‌ترین علت توسعه لمپنیسم در دوران پهلوی، از تمایل این رژیم به بازآفرینی یک گروه دست‌پرورده نشأت می‌گرفت. دستگاه پهلوی در صدد بود تا با خلق یک قشر وابسته به دربار که اصطلاحاً «غلام حلقه به گوش» شاه بوده و از قدرت بازو نیز بهره‌مند هستند، در راستای اهداف خود استفاده کند. این عامل خود به خود منجر به توسعه لمپنیسم گردید. رژیم قصد داشت همانند سال‌های ۱۲۹۹، ۱۳۳۲ و ۱۳۴۲، با استفاده از این گروه‌های چماق به دست، مردم را سرکوب کرده و بدین طریق به اهداف خویش دست یابد. شواهد تاریخی حکایت از آن دارد که در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم پهلوی قصد داشت با استفاده از لمپن‌های اجیر شده، انقلاب مردم ایران را کنترل کند. در بسیاری از موارد او باش در کنار مأموران رژیم به ضرب و شتم مردم می‌پرداختند. در این روزها، نمود عینی ظهور پدیده لمپنیسم در مواجهه با خیزش عمومی مردم، رشد «پدیده چماق‌داران» در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی بود.

روز ۲۴ مهرماه ۱۳۵۷، یکی از بزرگ‌ترین عملیات لات‌های اجیر شده در کرمان، فاجعه‌ای عظیم خلق کرد. در این روز مردم کرمان از ساعت ۱۰ صبح به دعوت روحانیون شهر، در مسجد جامع تجمع کردند تا یاد شهدای میدان ژاله تهران را پاس بدارند. ساعت ۱۱:۳۰ هنوز واعظ در حال سخنرانی بود که عده‌ای چماق به دست به مسجد حمله کردند و در نخستین اقدام، دودرب ورودی مسجد را به آتش کشیدند. سپس «چماق به دستان در حمایت پلیس به مردم حمله کردند و عده بی‌شماری را زیر ضربات چماق، زنجیر، پنجه بوکس و چاقو گرفتند.»<sup>۱</sup>

۱. روح‌الله حسینیان، یک سال مبارزه برای سرنگونی شاه (بهمن ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۵۷)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۵۱۶.



حجت الاسلام عباس پور محمدی که به هنگام حمله اوباش به مسجد جامع کرمان در آن شهر حضور داشت و خود شاهد تحرکات لمپن‌ها در این واقعه بود، به یاد می‌آورد:

کولی‌ها با حمایت نیروهای نظامی رفتند روی پشت‌بام و آجرهای پشت‌بام را پرت کردند به جمعیت مردم. بعد از آن، مأموران شروع کردند به تیر زدن به درها و شیشه‌ها. نیروهای ساواکی و نظامی با تیراندازی به داخل مسجد و شلیک گاز اشک‌آور موجب زخمی شدن تعداد زیادی از جمعیت شدند؛ به نحوی که لباس اکثر افراد، اگر هم زخمی نبودند، به خون دیگران آغشته شده بود... مدت زیادی این عمل ادامه داشت و هیچ راه گریزی هم نبود...<sup>۱</sup>

بر اثر حمله اوباش به مسجد، صدها نفر مجروح شدند و پنج نفر از مردم کرمان نیز به شهادت رسیدند.

بر اساس خاطرات شعبان جعفری، در آستانه خروج شاه از کشور، دستگاه پهلوی کوشید تا با تجهیز اوباش، در برابر انقلاب بایستد. شعبان بی‌مخ می‌گوید:

... این سری آخر، همان موقعی که شاه می‌خواست نخست‌وزیر تعیین کند و برود بیرون و این پیشامدها شد، تازه فرستاد عقب [فتح‌الله] فرود. فرود رفت آنجا. فردایش آمد من را خواست. رفتم پهلویش. گفت: چند تا این صنف‌ها را... اسم‌هایشان را داد و گفت: «... اینها را خبر کن، خودت هم برو و بچه‌ها را بیاور، فردا می‌خواهم میتینگ چیزی راه بیندازیم.» ما آمدیم و اینها را خبر کردیم...<sup>۲</sup>

در همین رابطه گروهی از اوباش بعد از پیروزی انقلاب، با ارسال یک دست‌نوشته به دادستانی و امضای آن چنین اعتراف کردند:

بدین وسیله به اطلاع می‌رساند که ما افراد امضاکننده زیر را آقای... در زمان [ناخوانا] تعلیم می‌دادند که با به دست گرفتن چماق، تظاهر کنندگان را سرکوب نماییم و برای انجام این وظیفه دستور داده بودند که هر وقت من دستور دادم آماده‌ها با چماق حاضر باشند و چند مرتبه تمرین داشتیم...<sup>۳</sup>

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، جلسه ۱.

۲. هما سرشار، *خاطرات شعبان جعفری*، تهران، ثالث، ۱۳۸۴، ص ۳۳۸.

۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی ۳۲۳۵، ص ۷۸.



رئیس شورای سلطنت به پاریس رفت

کیهان - شماره ۱۵ - ۱۰ تیر ۱۳۹۹ - شماره ۱۰۶۱۶

امام خمینی خواستار استعفای وزیر ارشد شاه مخلوع است و محاکمه خواهد شد

# حمله تانکها و جماعت بستان به اهواز و دزفول

کردهای شورشی به پاسگاه زندان امری حمله کردند

هشدار دکتر سنجابی درباره یک توپنه

دیده نظر کشته شد

اعلامیه مهم آیت الله طالقانی درباره راهبیمائی فردا

ارتش مسلمانان گروگانها را آزاد کرد

گروهی میخواستند انبار نفت ری را آتش بزنند

وحدت با انحصار طلبی؟

اسامی عدهای از شهیدا و ۵۰ نفر از مجروحان حوادث خونین اهواز در گیهان امروز

ارتش از حوادث خونین دیروز ابراز تأسف کرد

نظامیان و سردرما - مراکز قدرت هنوز در اختیار سردم قرار نگرفته است

ارتش مسلمانان گروگانها را آزاد کرد

گروهی میخواستند انبار نفت ری را آتش بزنند

وحدت با انحصار طلبی؟

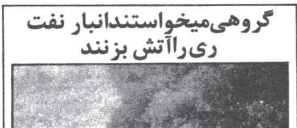
نمای از سپهبد بازداشت شده علی محمد خاتمی بر اثر آتش شرف

اعلامیه بانک ملی ایران

خارج از ایران



مرحوم آیت الله محمد باقر مجلسی، امام جماعت اهواز، در میان گروهی از مردم اهواز، در جریان حمله به پاسگاه زندان امری.



آتشباری در انبار نفت ری.



نمای از سپهبد بازداشت شده علی محمد خاتمی بر اثر آتش شرف.

فردا در استادیوم دانشگاه تهران

فردا در استادیوم دانشگاه تهران

هر چند در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، اوباش در معیت مأموران رژیم، نقش ویژه‌ای در سرکوب مردم و معترضان داشتند، اما گروهی از جوانمردان به رهبری طیب حاج رضایی که به خاطر عشق و علاقه به امام خمینی خود را به صف نخست قیام رسانده بودند، تا پای جان در این مسیر گام زدند

بعد از فرار محمدرضا پهلوی از کشور در ۲۶ دی ماه ۵۷، تحریکات لمپن‌ها و مقابله این گروه با انقلاب اسلامی در سطح وسیع ادامه یافت. دستگاه پهلوی کوشید تا با بهره‌گیری از ظرفیت اوباش، با انقلاب اسلامی مقابله کند. استفاده از لمپن‌ها به منظور مقابله با جریان‌های انقلابی، در این برهه زمانی علاوه بر این که می‌توانست توان گروه‌های نظامی را دوچندان کند، به نوعی برای رژیم پهلوی

مشروعیت‌زا نیز تلقی می‌شد؛ چرا که این افراد در محافل سیاسی به عنوان گروه‌های سلطنت طلب معرفی می‌شدند که خواستار ابقای رژیم شاهنشاهی بودند.

با وجود این، هر چه به روزهای منتهی به پیروزی انقلاب نزدیک می‌شویم، برخورد این قشر با مردم خونین‌تر می‌شود. یکی از این برخوردهای خونین، در ۲۷ دی ماه ۵۷ در اهواز رخ داد. بنابر گزارش‌های موجود از ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح روز چهارشنبه ۲۷ دی ماه گروهی از لمپن‌های اجیر شده که از سوی نظامیان مسلح حمایت می‌شدند، به اجتماع مردم که خروج شاه از کشور را جشن گرفته بودند حمله کرده و ضمن ضرب و شتم مردم، آنان را مجبور می‌کردند شعار «جاوید شاه» سر دهند. این گروه، عامل بسیاری از خرابکاری‌ها و خسارت‌ها در سطح کشور بودند؛ به طوری که در همان روز اوباش در مرکز تجاری و بازار اهواز آسیب‌های فراوانی به بار آوردند و در خیابان‌های سی متری، نادری و ۲۴ متری به ده‌ها فروشگاه و بانک حمله کردند و یک رستوران را ویران ساختند. چنان که گزارشگر روزنامه اطلاعات خبر می‌دهد، اوباش روی پل اهواز جلوی اتومبیل‌ها را می‌گرفتند و از سر نشینان می‌خواستند که تصویر امام خمینی (ره) را برداشته و عکس شاه را به جای آن نصب کنند و بوق‌زنان فریاد «جاوید شاه» سر دهند.<sup>۱</sup>

همین روزنامه در اول بهمن ۵۷ طی گزارشی با عنوان «چماق به دست‌ها جاده‌های کرمانشاه را قرق کردند»، از هم‌دستی نیروهای حکومتی و لمپن‌ها برای مقابله با جریان انقلاب پرده برداشت. در این گزارش آمده بود:

از عصر پریروز در کرگاه بین راه کرمانشاه به شاه‌آباد و راه کرمانشاه به همدان، پاوه و کامیاران، عده‌ای چماق به دست با قرق کردن جاده‌ها راه را بر اتومبیل‌ها بسته‌اند و ضمن شکستن شیشه اتومبیل‌ها، سر نشینان آنها

۱. اطلاعات، چهارشنبه ۲۷/۱۰/۱۳۵۷، ص ۲.



را مورد ضرب و جرح قرار داده‌اند. ضمناً آنها داخل اتومبیل‌ها را بررسی کردند تا اگر عکسی از امام خمینی بود شدت عمل بیشتری به خرج دهند و به زور کتک و نابود کردن اتومبیل، سرنشین آن را وادار به طرفداری از رژیم نموده و از او بخواهند که جاوید شاه بگوید. شاهدان عینی می‌گویند که چماق به دست‌های جاده‌ها به تحریک ژاندارمری دست به این کار می‌زنند؛ به دلیل اینکه اولاً این گروه در نزدیکی ژاندارمری مستقر هستند و دوم اینکه در بعضی نقاط عده‌ای از سرنشینان اتومبیل‌ها، عده‌ای از ژاندارم‌ها را در میان آنها دیده‌اند.

بر اساس همین گزارش، ژاندارمری هیچ اقدامی در راستای جلوگیری از هجوم اوباش به سوی مردم انجام نمی‌داد.<sup>۱</sup>

در پی تحركات لمپن‌ها در اول بهمن ۵۷ نیز، تیتراخبار آن روز این چنین بود:

تلفات آشوب چماق‌داران در چند شهر

در حمله چماق به دستان به صحنه سه نفر شهید شدند

در حمله چماق به دستان به مشکین شهر پنجاه نفر شهید شدند

چماق به دستان در خوی یک روحانی را شهید کردند

چماق به دستان جاده‌های کرمانشاه را قرق کرده‌اند...<sup>۲</sup>

در این میان باید این نکته را نیز در نظر داشت که غارت مردم نیز از اهداف دیگر اوباش بود؛ آنها با حمله به مغازه‌ها، بانک‌ها، پاساژها، بازار و... در صدد غارت برآمدند و بدین ترتیب خوی لومپنیستی خود را بار دیگر به رخ کشیدند. علی‌اکبر اکبری این خصلت لمپن‌ها را به خوبی تفسیر می‌کند:

درست است که لمپن‌ها در این مواقع با گرفتن چند تومان دست به

آشوب و حریق و تخریب و کشتار می‌زنند، ولی منظور اساسی و مهم آنها از

آشوب و بلوا، غارت و چپاول مراکزی است که با فروش اموال و ثروت‌های

آن، پول قابل توجهی به دست آورند.<sup>۳</sup>

لمپن‌های استخدام‌شده از سوی دربار حتی از قتل و کشتار مردم نیز ابایی نداشتند و اساساً آنها برای همین اجیر شده بودند. در اربعین سال ۵۷ لمپن‌ها در درگیری با انقلابیون

۱. اطلاعات، یکشنبه ۱۳۵۷/۱۱/۱، ص ۳.

۲. روح‌الله حسینیان، همان، ص ۸۶۳.

۳. علی‌اکبر اکبری، همان، ص ۲۷.



نجف آباد اصفهان، چهارده نفر را شهید و حدود ۱۵۰ نفر را مجروح کردند.<sup>۱</sup> در همین روز، شهر شاهد هجوم لمپن‌ها به معترضین بود. در این روز گروهی از اوباش به سرکردگی علی شهبازی معروف به علی قواد به مردم حمله می‌کنند و ضمن ضرب و شتم بسیاری از انقلابیون، جوانی به نام علی مراد غفوریان را نیز به ضرب گلوله به شهادت می‌رسانند. همچنین در همان روز، هجوم اوباش به انقلابیون در مشکین شهر بیش از پنجاه کشته بر جای گذاشت.<sup>۲</sup> روزنامه کیهان هم از همکاری اوباش و مأموران ژاندارمری در حمله به مردم در خلف آباد و هرسین و کشته شدن سه تن از انقلابیون این شهر به دست لمپن‌ها خبر می‌دهد.<sup>۳</sup> همچنین روزنامه/اطلاعات در یکی از شماره‌های خود ذیل گزارشی با عنوان «مأموران شورشی و چماق به دست‌ها مردم رضاییه را به گلوله بستند»، از همراهی لمپن‌ها با نیروهای حکومتی به منظور مقابله با انقلابیون خبر داد.<sup>۴</sup>

با مراجعه به اسناد موجود، سوءاستفاده دستگاه پهلوی از چماق‌داران در مقابل مخالفان رژیم، بیش از پیش ثابت می‌شود؛ گزارش بخش ۳۴۱ اداره کل سوم ساواک در ۱۰ آذر ۵۷، حکایت از تجهیز اوباش و صدور دستور حمله چماق‌داران به مردم توسط ساواک دارد.<sup>۵</sup> روزنامه/اطلاعات در ۹ بهمن ۵۷ و در آستانه بازگشت امام خمینی به میهن گزارش داد: عده‌ای چماق به دست در حالی که شعار جاوید شاه و شاه باید برگردد، می‌دادند در طول خیابان آیزنهاور به راهپیمایی پرداختند. این گروه که به چوب دستی و قمه مجهز بودند فریاد زنان وارد دانشگاه صنعتی شدند و به گروهی از دانشجویان حمله کردند. دانشجویان با دیدن چماق به دست‌ها متفرق شدند و چماق به دست‌ها بعد از شکستن شیشه اتومبیل‌ها و مینی‌بوس‌های داخل دانشگاه به دفتر دانشگاه حمله کردند و در و پنجره آن را شکستند. تظاهرکنندگان آنگاه در خیابان آیزنهاور کیوسک‌های فروش روزنامه/اطلاعات و کیهان را به آتش کشیدند و خساراتی به کیوسک‌های تلفن و ساختمان‌های سر راه خود در خیابان آیزنهاور وارد کردند.<sup>۶</sup>

۱. اطلاعات، شنبه ۳۰/۱۰/۱۳۵۷، ص ۲.

۲. اطلاعات، یکشنبه ۱/۱۱/۱۳۵۷، ص ۲.

۳. کیهان، یکشنبه ۱/۱۱/۱۳۵۷، ص ۳.

۴. اطلاعات، دوشنبه ۲/۱۱/۱۳۵۷، ص ۲.

۵. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش پرونده ۲-۱۸۱۴۷، ش بازیابی ۲۶۰۷، ص ۲۰.

۶. اطلاعات، دوشنبه ۹/۱۱/۱۳۵۷، ص ۳.





## نحوه مواجهه انقلاب اسلامی با لمپنیسم سازمان دهی شده

با وجود تحركات لمپنها و تلاش برای مقابله با جریان انقلاب، برخلاف نمونه‌های پیشین (کودتای سوم اسفند و کودتای ۲۸ مرداد) این گروه هرگز قادر نبود تا به مثابه سدی در برابر سیل بنیان‌برانداز انقلاب اسلامی ایفای نقش کند. مهم‌ترین علت ناکامی این سیاست رژیم، رهنمودهای رهبری نهضت و سازماندهی گروه‌های مردمی در مقابل چماق‌داران بود. با شدت یافتن عملیات اوباش علیه انقلاب اسلامی، امام خمینی این اقدامات رژیم پهلوی را محکوم کردند. ایشان در ۲۵ آذر ۵۷، طی یک سخنرانی، گروه‌های اوباش را اجیر شده از سوی حاکمیت دانسته و درباره نقش شاه در تجهیز اوباش فرمودند:

ایشان [شاه] به ما خیانت کرده، ایشان جنایت کرده، ایشان ذخایر ما را به شما و امثال شما داده و ما می‌خواهیم که خودمان آزاد باشیم، خودمان مستقل باشیم، خودمان مملکت‌مان را اداره کنیم... آیا حق ندارند اهالی یک مملکتی، آرام این حرف را بزنند که ما نمی‌خواهیم ایشان را؟! اگر دنبال این معنا که مردم روز تاسوعا و عاشورا آرام گفتند ما این [شاه] را نمی‌خواهیم، و همه عالم دیدند که اکثریت قاطع قریب به اتفاق است که ایشان را نمی‌خواهند، همه بازارهای ایران، همه مملکت ایران، و شهرستان [های] ایران، همه دهات ایران فریاد کردند ما نمی‌خواهیم شما را. اگر ایشان بعد از این کاری که مردم کردند و این فراندومی که مردم [برگزار] کردند، گفته بود که بسیار خوب نمی‌خواهید، من می‌روم یک کس دیگر بیاید، جنگ و نزاع می‌شد دیگر؟ دعوا داشت دیگر؟ ایشان برخلاف قوانین بین‌المللی دنیا عمل کرده است: دنبال این معنی که مردم آرام گفتند ما شما را نمی‌خواهیم، چماق‌دار کشیده، ارتشش را و - نمی‌دانم - قوای انتظامی‌اش و همه را وادار کرده به اینکه مردم را بزنند، و به اسم مثلاً چماق به دست‌ها و... بیایند توی راه، توی شهرها بگویند «جاوید شاه!» خوب این معنا واقع شده است که مردم آرام گفتند نه، و ایشان کتک زده مردم را، ایشان کشته از مردم، ایشان خانه‌های مردم ریخته، با مسلسل توی خانه‌ها هم حمله کردند، مساجد را آتش زدند، این همه وحشیگری را کردند؛ شما می‌فرمایید که بعد از همه این وحشیگری‌ها، شما ایشان را باز پشتیبانی کردید و می‌گویید آنهایی که می‌گویند که چرا این کارها می‌شود، آنهایی که تظاهر آرام کردند، آنها خلاف می‌گویند!





امام در همین سخنرانی حکم کردند:

... این چماق به دستان واجب‌القتل اند؛ همه‌شان را باید کشت. هر کس

پیدا کند این چماق به دست‌هایی که مفسد فی الارض هستند و در زمین

دارند فساد می‌کنند، هر که یکی از اینها را پیدا کرد بکشد او را...<sup>۱</sup>

امام خمینی همچنین طی پیامی از پاریس از مردم خواستند تا «خودشان مواظب نظم مملکت باشند و جوانان غیور ما کنترل شهرستان‌ها و دهات و قراء را به دست گیرند و نگذارند کسانی که آشوب‌طلب‌اند در این قراء و قصبات و شهرستان‌ها - خدای ناخواسته - دست به خرابکاری بزنند.»<sup>۲</sup> ایشان گروه‌های مردمی را به مقاومت در برابر او باش تشویق کرده و فرمودند:

ملت شریف باید تا نتیجه نهایی، دست از مبارزات پرشور خود بر ندارند.

که نمی‌دارند. باید به اعتصابات و تظاهرات ادامه دهند و در صورتی که

چماق به دستان و یا مفسدین به آنان حمله کردند، می‌توانند دفاع از خود

کنند اگر چه منتهی به قتل آنان شود.<sup>۳</sup>

به دنبال دستور رهبری نهضت، نیروهای انقلابی به تشکیل و سازماندهی کمیته‌های انتظامی و پاسداری اقدام کردند. اولین کمیته‌های حفاظت در شهرهای زنجان و آمل تشکیل شد.

در زنجان گروه‌های دانش‌آموزی حفاظت از بازار زنجان را به عهده

گرفتند. در این طرح یک گروه پنجاه نفری دانش‌آموزی در هر شب

حفاظت از بازار و اماکن مردمی را به عهده داشتند. در آمل نیز پس از

درگیری‌های خونین و شایعه آتش زدن بازار، عده کثیری از دانش‌آموزان

و جوانان آمل مسئولیت حفاظت خیابانی را به عهده گرفتند.<sup>۴</sup>

در تهران نیز گروه‌های داوطلب مردمی تشکیل شد تا به حفاظت از معابر، خیابان‌ها،

کوچه‌ها، محلات و... پردازد. روزنامه کیهان در اول بهمن ۵۷، درباره یکی از این گروه‌های

مردمی گزارش داد:

... اهالی جوادیه نیز به مانند سایر محلات تهران، عده‌ای از جوانان را

مسئول انتظامات و پاس شب‌ها قرار داده‌اند تا مردم بتوانند با آرامش خاطر

شب را بگذرانند...<sup>۵</sup>

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۵۳.

۲. همان، ص ۴۸۴.

۳. همان، ص ۴۲۸.

۴. روح‌الله حسینیان، همان، ص ۸۵۴.

۵. کیهان، یکشنبه ۱۳۵۷/۱۱/۱، ص ۲.

تشکیل گروه‌های ضربت مردمی برای مقابله با چماق‌داران تا حدود زیادی توطئه‌های دربار را خنثی کرد. این گروه‌های مردمی در ابتدا با تجهیزات اولیه در برابر اوباش ایستادند. در همین رابطه روزنامه/اطلاعات در ۳۰ دی ماه، ذیل خبری با این تیتر: «مردم: منتظر چماق به دستان هستیم» گزارش می‌دهد:

بعد از ظهر پنجشنبه در بین مردم تهران شایع شد که عده‌ای چماق به دست می‌خواهند در محلات به مردم حمله کنند. مردم بلافاصله خود را... آماده مقابله با چماق به دستان کردند. در خیابان سلسبیل و آریانا و جی و نیروی هوایی، تمام جوانان در حالی که آماده مبارزه با چماق به دستان بودند در سر چهارراه‌ها و جلوی کوچه‌ها اجتماع کرده بودند. در خیابان شهباز و میدان زاله، گروه‌های مردم در بالکن خانه‌ها و پشت‌بام‌ها آماده شده بودند تا به محض دیدن چماق به دستان، آنها را به محاصره در آورند.

همین گزارش افزود:

مردم آریانا می‌گفتند امام خمینی رهبر ما در اعلامیه‌ای گفته است: قتل چماق به دستان واجب است و چنانچه ما نیز آنها را پیدا کنیم به قتل می‌رسانیم؛ همان طور که آنها برادران و خواهران ما را می‌کشند...

این قبیل اقدامات مردمی ضمن اینکه موجب عقب‌نشینی اوباش و چماق‌داران می‌شد، روحیه مردم را نیز بالا می‌برد. بر اساس همین گزارش، «زنی که با بچه‌هایش سر کوچه‌ای در خیابان ژاله آماده مقابله با چماق به دست‌ها بود می‌گفت: چماق به دستان به جان و مال مردم رحم نمی‌کنند و فکر می‌کنند با به راه انداختن چند صد نفر می‌توانند انقلاب مردم را از بین ببرند در حالی که ما از گلوله و مسلسل نترسیدیم [آن وقت] از چند نفر چماق به دست واهمه داشته باشیم؟»<sup>۱</sup>

در این میان، قشرها و گروه‌های مختلف نیز آمادگی خود را جهت مقابله با لمپن‌ها اعلام کردند. به طور نمونه پس از تحرکات اوباش، بازاریان تهران اعلام کردند: «با حمله چماق‌داران به شدت مقابله خواهند کرد.» به گزارش روزنامه/اطلاعات «بازاریان گفتند در شرایطی که ساعات منع عبور برقرار است، چماق‌داران توانسته‌اند از خیابان‌ها عبور کنند و به پاساژها حمله نمایند. هر گاه چماق‌داران بخواهند دوباره به بازار حمله کنند، با شدت هر چه بیشتر با آنها مقابله خواهد شد.»<sup>۲</sup>

۱. اطلاعات، شنبه ۳۰/۱۰/۱۳۵۷، ص ۷.

۲. همان.



از اصلی ترین دلایل توسعه سیاست‌های رژیم پهلوی در باز تولید لمپنیسم در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی می‌توان به الف. تبعات ناشی از اجرای اصلاحات ارضی، ب. سیاست‌های نادرست فرهنگی رژیم، پ. ساختار غیردموکراتیک قدرت در رژیم پهلوی، ت. ساختار شبه‌مدرنیستی اقتصاد شهری و توسعه ناموزون صنعتی و ث. الگوهای اقتصادی اقتباسی و غیردینی، اشاره کرد

رفته‌رفته این گروه‌های مردمی، سامان‌دهی شد. با شکل‌گیری کمیته استقبال از امام خمینی، واحد انتظامات آغاز به کار کرد. یکی از وظایف این واحد، مواجهه با اوباش سلطنت‌طلب بود. واحد انتظامات با هدف حفظ نظم و ایجاد امنیت تشکیل شد و وظایفی چون مراقبت و تأمین امنیت همه‌جانبه شهر، تأمین انتظامات راهپیمایی‌ها، انتظامات مراکز و ارگان‌های

حساس و... را بر عهده داشت.<sup>۱</sup> واحد انتظامات یا حفاظت، از جمله واحدهایی بود که بعد از ورود امام تغییرات عمده‌ای یافت. قبل از ورود امام، این گروه‌ها که اغلب داوطلبانه تشکیل شده بود، ضابطه‌مند شده و جذب افراد نیز طی مراحل خاصی ممکن شد. این گروه‌ها در مدرسه رفاه تحت آموزش قرار گرفتند تا در موقعیت‌ها و شرایط مختلف، آمادگی داشته باشند. رفته‌رفته این گروه‌ها با نظارت کمیته استقبال از امام خمینی، تجهیز شدند. همین گروه‌ها در روز ورود امام خمینی به کشور در ۱۲ بهمن ۵۷، عهده‌دار تأمین و حفظ امنیت مراسم بودند. پس از ورود امام خمینی به کشور، گروه‌های مسلح همچون امت واحده، توحیدی صف، موحدین، فلاح، فلق و منصورون به عنوان «حافظ امنیت» اقدام به مقابله با اوباش و چماق‌داران کردند و تأمین امنیت شهر را نیز بر عهده گرفتند.

علاوه بر تجهیز و ساماندهی گروه‌های ضربت در برابر اوباش، اوج‌گیری مبارزات مردمی نیز مانع از کامیابی چماق‌داران می‌شد. زمان هر چه به روزهای منتهی به ورود امام نزدیک‌تر می‌شد، هیجان و شور مردمی نیز شدت می‌یافت. همین عامل موجب طغیان احساسات مردمی می‌شد که گروه‌های اجیرشده‌ای چون اوباش را یارای مقابله با آن نبود. روزنامه *اطلاعات* در ۳۰ دی ۵۷ با اشاره به خرابکاری اوباش در نجف آباد و پاسخ کوبنده مردم به چماق‌داران نوشت:

دیروز ده‌ها هزار نفر از مردم منطقه اصفهان به کمک نجف آباد آمدند... بیست نفر از چماق به دست‌ها هم اکنون در دست نجف آبادی‌ها اسیر هستند.<sup>۲</sup>

۱. اکبر قاسملو و معصومه آفاجان‌پور، *تاریخ شفاهی کمیته استقبال از امام خمینی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۶۴.

۲. *اطلاعات*، شنبه ۳۰/۱۰/۱۳۵۷، ص ۲.

همچنین عامل دیگری که موجب شکست سیاست‌های رژیم پهلوی در استفاده ابزاری از لمپنیسم شد، تضعیف نیروی نظامی بود. چراکه با تضعیف قوای انتظامی که پشتوانه اوباش محسوب می‌شد، چماق‌داران نیز ضعیف شده و به گوشه‌ای خزیدند.

## نتیجه

لمپنیسم از ابتدای کودتای سیاه رضاخان به عنوان یک پدیده سیاسی و اجتماعی وارد مناسبات اجتماعی شد و در دوره سلطنت پهلوی دوم، بهره‌گیری از لمپنیسم کنترل شده، در راستای تحقق سیاست‌های نامشروع حاکمیت، به طور وسیع از مرداد ۱۳۳۲ آغاز گردید. اوباش که به عنوان بازوی اجرایی کودتا، نقش ویژه‌ای در بازگشت شاه به قدرت داشتند، پس از نمونه موفق ۲۸ مرداد، به عنوان عاملی بازدارنده در برابر حرکات‌های انقلابی مورد استفاده قرار گرفتند.

در این میان، سیاست‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی رژیم پهلوی در دهه چهل نیز به رشد و توسعه این پدیده اجتماعی کمک کرد. تا اینکه در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، حاکمیت بار دیگر با وارد کردن گروه‌های لمپن به خیابان‌ها، کوشید تا از این قشر به عنوان عاملی بازدارنده در برابر جریان انقلاب بهره‌گیری کند.

اما پس از رهنمودهای امام خمینی، گروه‌های مردمی ساماندهی شدند تا سدی در برابر خرابکاری اوباش باشند. علاوه بر این، اوج‌گیری مبارزات مردمی نیز مانع از کامیابی چماق‌داران می‌شد. همچنین با تضعیف قوای نظامی که پشتوانه اوباش بودند، لمپن‌ها چاره‌ای جز عقب‌نشینی در برابر طوفان انقلاب نداشتند و استفاده از لمپنیسم به عنوان ابزاری برای مهار طوفان انقلاب، سیاست نادرستی بود که هرگز بقای سلطنت پهلوی را تضمین نکرد.

